یادداشت

بسیج، سرمایه راهبردی برای ساختن آینده ایران



علی‌حسن حیدری
کارشناس سیاسی

بسیج از ابتکارات مبارک و معجزه‌گون امام(ره) برای حضور سازمان‌یافته مردم در عرصه‌های مختلف است. ابتکاری که فراتر از ایجاد یک تشکیلات، راهی برای به میدان آوردن ظرفیت‌های مردمی در صیانت از کشور، پیشرفت جامعه و مواجهه با مسائل و چالش‌های ملی گشود. اهمیت این ابتکار را باید در این واقعیت جست‌وجو کرد که قدرت یک ملت تنها به امکانات اقتصادی، تجهیزات دفاعی و ساختارهای رسمی آن وابسته نیست، بخش مهمی از اقتدار کشور از «اراده، ایمان، آگاهی و مسئولیت‌پذیری مردمی» سرچشمه می‌گیرد که خود را در برابر سرنوشت جامعه مسئول می‌دانند.

از همین منظر است که بسیج را نمی‌توان صرفاً یک سازمان یا مجموعه‌ای با مأموریت‌های مشخص اداری و تشکیلاتی دانست. بسیج یک فرهنگ است، یک گفتمان است و یک تفکر است، فرهنگی برخاسته از متن مردم و متکی بر انگیزه‌های الهی، احساس تعهد و روحیه مسئولیت‌پذیری. در این نگاه، بسیجی بودن پیش از آنکه به عنوان و جایگاه سازمانی وابسته باشد، به نگرش و شیوه مواجهه انسان با مسائل جامعه مربوط است. روحیه بسیجی یعنی احساس مسئولیت در برابر سرنوشت کشور و جامعه، یعنی انسان در برابر مشکلات صرفاً تماشاگر نباشد، دشواری‌ها را به دیگران واگذار نکند و برای بهبود شرایط، متناسب با توانایی و موقعیت خود وارد میدان شود.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این فرهنگ، ناسازگاری آن با ناامیدی، احساس ناتوانی و تصور بن‌بست است. روحیه بسیجی به معنای انکار مشکلات یا نادیده گرفتن محدودیت‌ها نیست، بلکه به معنای نپذیرفتن این تصور است که مشکلات بزرگ‌تر از توان و اراده یک ملت هستند. جامعه‌ای که در آن «احساس مسئولیت، امید، ابتکار و مشارکت» زنده باشد، حتی در دشوارترین شرایط نیز امکان حرکت، تحول و تغییر را از دست نمی‌دهد. در واقع، نقطه مقابل تفکر بسیجی، صرفاً بی‌عملی نیست، بلکه نوعی نگاه منفعلانه است که مشکلات را می‌بیند، اما خود را در برابر حل آنها مسئول نمی‌داند.

بر این اساس، منطق بسیج، حداکثرسازی امکان مقاومت کشور در مقابل هر خطر و تهدید است. این مقاومت تنها به معنای ایستادگی در برابر تهدیدهای نظامی و امنیتی نیست، بلکه هر عاملی که «استقلال، پیشرفت، امنیت، انسجام اجتماعی و توان ملی کشور» را با مخاطره مواجه کند، نیازمند تقویت ظرفیت‌های مقابله و عبور از آن است. هر اندازه مردم در عرصه‌های مختلف از «آمادگی، آگاهی، مهارت و قدرت مشارکت بیشتری» برخوردار باشند، امکان مواجهه کشور با بحران‌ها افزایش می‌یابد و وابستگی آن به ظرفیت‌های محدود و متمرکز کاهش پیدا می‌کند. از این‌رو، بسیج را باید یکی از ظرفیت‌های مهم کشور برای «تبدیل توان پراکنده مردم به قدرت سازمان‌یافته ملی» دانست. از همین‌جا ضرورت بازنگری در حوزه نقش‌آفرینی بسیج روشن می‌شود. ظرفیت بسیج نباید صرفاً در عرصه‌های نظامی و دفاعی تعریف شود. این ظرفیت در علم، فناوری، تولید، اقتصاد و خدمات اجتماعی باید پیش از گذشته قابل استفاده باشد. کشوری که با مسائل پیچیده اقتصادی، نابرابری‌های اجتماعی، چالش‌های علمی، مشکلات تولید و نیازهای متنوع نسل جوان مواجه است، نمی‌تواند از سرمایه انسانی و انگیزه‌های مردمی خود غفلت یا تعلل کند. همان روحیه‌ای که در عرصه دفاعی به ایستادگی و مقاومت منجر می‌شود، در میدان علم نیز می‌تواند به نوآوری، در اقتصاد به کارآفرینی و تولید، در عرصه اجتماعی به محرومیت‌زدایی و خدمت‌رسانی و در مدیریت بحران به همبستگی و سرعت عمل تبدیل شود. اهمیت این ظرفیت زمانی آشکارتر می‌شود که بسیج بتواند میان «انگیزه‌های مردمی، دانش تخصصی و نیازهای واقعی جامعه» پیوند برقرار کند.

البته برخورداری از چنین ظرفیتی به‌تنهایی کافی نیست، مسئله اساسی، چگونگی به‌کارگیری مؤثر آن است. بسیج باید در عرصه‌های مورد نیاز کشور، «حضوری مؤثر، آگاهانه و مسئله‌محور» داشته باشد. حضور مؤثر به معنای تشخیص درست اولویت‌ها و دستیابی به نتیجه ملموس است، حضور آگاهانه مستلزم شناخت واقعیت‌ها، استفاده از دانش و پرهیز از اقدامات شتاب‌زده است و حضور مسئله‌محور یعنی فعالیت‌ها از نیازهای واقعی مردم و کشور آغاز شوند و با حل مشکلات و ایجاد ارزش عمومی به نتیجه برسند. معیار ارزیابی چنین حضوری نیز نباید صرفاً «میزان فعالیت‌ها، تعداد برنامه‌ها یا گستردگی تشکیلات» باشد، بلکه باید دید کدام مسئله از زندگی مردم حل شده، چه ظرفیتی در جامعه فعال شده و چه گره‌ای از مسیر پیشرفت کشور گشوده شده است.

در کنار این ضرورت، انتقال فرهنگ بسیجی به نسل‌های بعدی، ضرورتی برای استمرار این حرکت مردمی است. هیچ فرهنگ پویایی صرفاً با تکیه بر خاطرات و دستاوردهای گذشته ماندگار نمی‌شود. هر نسل باید بتواند «معنای این فرهنگ» را در شرایط زندگی، مسائل و نیازهای زمانه خود درک کند، و آن را با «زبان، دانش و ابزارهای متناسب با روزگار خویش» ادامه دهد. برای نسل جوان، فرهنگ بسیجی زمانی معنا و جذابیت واقعی پیدا می‌کند که فرصت حضور، ابتکار، یادگیری، مسئولیت‌پذیری و اثرگذاری در اختیار او قرار گیرد، نه اینکه صرفاً از او انتظار تکرار تجربه‌ها و الگوهای نسل‌های پیشین وجود داشته باشد.

از این‌رو، بسیج باید در نسل‌های متوالی کشور «بالنده، مستمر، کامل‌تر و قوی‌تر» شود. استمرار این حرکت، در گرو «حفظ هویت و آرمان‌های بنیادین آن» از یک سو و «نوسازی روش‌ها، ارتقای مهارت‌ها و شناخت تحولات جامعه» از سوی دیگر است. بسیجی که نتواند زبان نسل جدید را بفهمد، استعدادهای تازه را شناسایی کند، و خود را با مسائل متحول جامعه هماهنگ سازد، به‌تدریج ظرفیت اثرگذاری خود را از دست خواهد داد. در مقابل، بسیجی که «ریشه‌های فکری و هویتی خود» را حفظ کند و هم‌زمان به «استقبال دانش، فناوری، ابتکار و نیازهای جدید» برود، می‌تواند همچنان «نیرویی زنده و پیش‌برنده در جامعه» باقی بماند. مسئله‌ای که باید جدی گرفته شود

امروز پرسش اساسی این نیست که بسیج چه پیشینه‌ای دارد یا در گذشته چه خدمات و دستاوردهایی به ثبت رسانده است، پرسش مهم‌تر این است که چگونه می‌توان این سرمایه بزرگ مردمی را با نیازهای امروز و فردای ایران پیوند زد؟ چگونه می‌توان فرهنگ مسئولیت‌پذیری را از سطح شعار به رفتار اجتماعی تبدیل کرد؟ چگونه می‌توان استعداد جوانان را به میدان حل مسائل کشور آورد و ظرفیت‌های پراکنده مردم را در مسیر پیشرفت ملی به هم پیوند داد؟ پاسخ به این پرسش‌ها در گرو آن است که بسیج، بیش از آنکه خود را با تعداد برنامه‌ها و گستردگی فعالیت‌های تشکیلاتی تعریف کند، با میزان اثرگذاری بر زندگی مردم و توانایی‌اش در حل مسائل کشور شناخته شود. ابتکار امام (ره) زمانی به‌درستی استمرار می‌یابد که مردم همچنان محور این حرکت باشند، «مسئولیت‌پذیری جایگزین انفعال» شود، «امید به نیروی محرک اقدام» تبدیل گردد و نسل‌های جدید فرصت یابند با حفظ هویت بسیجی، میدان‌های تازه‌ای برای خدمت و پیشرفت بگشایند.

بسیج زمانی به معنای واقعی کلمه یک سرمایه راهبردی برای ایران خواهد بود و خواهد ماند، که فرهنگ آن در متن جامعه جاری باشد، ظرفیت‌هایش در خدمت حل مسائل مردم قرار گیرد و هر نسل بتواند آن را متناسب با نیازهای زمان خود کامل‌تر و توانمندتر سازد. این همان گذار ضروری از بسیج به‌عنوان یک ظرفیت موجود، به بسیج به‌عنوان نیرویی اثرگذار در ساختن آینده است.

خبر یک

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح:

بسیج ستون اصلی امنیت و امید مردم در بحران‌هاست

امنیت، مهم‌ترین نیاز و اولویت هر کشور است و بسیج یکی از ستون‌های اصلی امنیت جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.

به گزارش خبرگزاری بسیج، سرلشکر عبداللهی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا (ص)، در دیدار با رئیس سازمان بسیج مستضعفین، معاونان، رؤسای اقشار و مدیران این سازمان که به مناسبت هفته بسیج برگزار شد، اظهار کرد: هفته بسیج فرصت مغتنمی برای تبیین عملکرد یک‌ساله سازمان بسیج مستضعفین و ارائه خدمات و اقدامات انجام‌شده به مردم و همچنین قدردانی از تلاش‌های بسیجیانی است که در عرصه‌های مختلف، خدمات مؤثر و تعیین‌کننده‌ای ارائه کرده‌اند.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، بسیجیان را از وفادارترین نیروها به نظام جمهوری اسلامی، امام راحل و رهبر شهید انقلاب اسلامی دانست و خاطرنشان کرد: در طول سال‌های گذشته، الگوی ارزشمندی از نیروهای داوطلب و مردمی برای خدمت‌رسانی به مردم در عرصه‌های مختلف شکل گرفته است؛ نیروهایی که در تمامی بحران‌های کشور، اعم از حوادث طبیعی، جنگ‌ها و سایر شرایط دشوار، در خط مقدم خدمت‌رسانی حضور داشته‌اند.

عبداللهی با بیان اینکه چنین سطحی از ایثار و فداکاری در مسیر کمک به هم‌نوع و دفاع از آرمان‌های کشور، ارزشمند و کم‌نظیر است، اظهار کرد: بسیج همواره در کنار مردم قرار دارد و در شرایط دشوار، نقش پشتیبان و امیدآفرین داشته است. در دوران دفاع مقدس نیز روحیه بالای بسیجیان یکی از عوامل مؤثر در پیروزی‌های رزمندگان در میدان‌های نبرد بود.

فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا (ص) با تأکید بر جایگاه بسیج در تأمین امنیت ملی گفت: امنیت، مهم‌ترین نیاز و اولویت هر کشور است و بسیج یکی از ستون‌های اصلی امنیت جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود؛ موضوعی که در طول سال‌های گذشته و در جریان ناآرامی‌ها، جنگ‌ها و حوادث مختلف به اثبات رسیده است. وی با اشاره به نقش‌آفرینی بسیج در جنگ‌های تحمیلی اخیر اظهار کرد: این دو جنگ تحمیلی با جنگ‌های گذشته تفاوت‌های اساسی داشت، اما بسیج بار دیگر توانست مأموریت خود را به‌خوبی انجام دهد و در کنار سایر دستگاه‌های امنیتی، در کنترل شرایط شهرها و برقراری امنیت نقش مؤثری ایفا کند. سرلشکر عبداللهی با اشاره به تأکید رهبر شهید انقلاب اسلامی و رهبر معظم انقلاب بر شکل‌گیری «ایران قوی» گفت: تحقق ایران قوی و تقویت هرچه بیشتر اقتدار ملی، با اتکا به ظرفیت بسیج و مشارکت مردم امکان‌پذیر است. بسیج می‌تواند در تقویت بنیان‌های این قدرت ملی نقش‌آفرینی کند و در کنار ملت و رهبری، زمینه‌ساز حرکت کشور به سوی قله‌های پیشرفت باشد.



رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به توانمندی‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران و تحولات جنگ اخیر تصریح کرد: توان موشکی کشور توانست دو دشمن قدرتمند، یعنی یک ابرقدرت جهانی و پنجمین ارتش قدرتمند دنیا را با چالش جدی مواجه کند و به عقب‌نشینی وادار سازد؛ این دستاورد، اقدامی بزرگ و قابل توجه بود.

سرلشکر عبداللهی با اشاره به اشتباه محاسباتی دشمنان در ارزیابی قدرت ایران افزود: دشمنان با این تصور که می‌توانند ظرف ۲۴ تا ۴۸ ساعت نظام جمهوری اسلامی ایران را ساقط کنند و با ایجاد زمینه برای ورود جریان‌های معاند به خیابان‌ها، اهداف خود را محقق سازند، حمله گسترده‌ای را آغاز کردند؛ اما پاسخ جمهوری اسلامی ایران برخلاف محاسبات آنان، تنها یک ساعت پس از حمله اولیه صورت گرفت. وی این اقدام را «غافلگیری پس از غافلگیری» توصیف کرد و گفت: دشمن انتظار داشت پاسخ ایران با تأخیر انجام شود، اما واکنش سریع نیروهای مسلح موجب برهم خوردن آرایش عملیاتی آنان در میدان شد.

فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا (ص) با اشاره به حملات نیروهای مسلح ایران به پایگاه‌های امریکا در منطقه اظهار کرد: در جریان این عملیات‌ها، پایگاه‌های امریکا به‌شدت آسیب دیدند و بخش قابل توجهی از آن‌ها از حیز انتفاع خارج شدند؛ به‌گونه‌ای که برخی از این پایگاه‌ها تاکنون نیز به شرایط عملیاتی پیشین بازنگشته‌اند و امریکایی‌ها به دنبال تغییر محل استقرار و انتقال آن‌ها به مناطق دورتر هستند. وی تأکید کرد: هرگونه جابه‌جایی پایگاه‌های امریکا در منطقه، تغییری در اراده جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدها ایجاد نخواهد کرد و هر نقطه‌ای که این پایگاه‌ها مستقر شوند، در صورت لزوم در تیررس نیروهای مسلح ایران خواهند بود.

بی‌نظمی این نمایندگان نباید کم‌هزینه باقی بماند

واکنش قالیباف به جنجال اقلیت پرسر و صدا:
امر روشن رهبری به نمایندگان باید آویزه گوشمان باشد



گزارش یک

اینکه چند نفر برای تحمیل خواسته خود، مانع برگزاری صحن مجلس شوند، رویه‌ای بسیار خطرناک است؛ امر روشن مقام معظم رهبری خطاب به نمایندگان را باید آویزه گوشمان کنیم که اختلافات غیرموجه و حتی موجه را به تنازع و تفرقه تبدیل نکنیم. هیئت رئیسه و هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان وظیفه دارند برای جلوگیری از تکرار این بدعت‌ها تر تیباتی اتخاذ کنند.

به گزارش خانه ملت، دکتر محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در نشست علنی دیروز مجلس، در نطق پیش از دستور خود، گفت: متأسفانه روز یک‌شنبه اتفاق بی‌سابقه‌ای رقم خورد و نمایندگانی به تعداد کمتر از انگشتان یک دست، با جنجال، سر و صدا و تهدید به بی‌نظمی اجازه برگزاری جلسه علنی مجلس را ندادند. مجلس محل تضارب آرا است و قانون آیین‌نامه داخلی، ساز و کارهای متنوعی برای بیان و پیگیری اعتراض نمایندگان محترم را در نظر گرفته است و مردم بارها و بارها شاهد تندترین اعتراضات از تریبون مجلس بوده‌اند و همچنان این امکان برای نمایندگان وجود داشته و خواهد داشت، اما اینکه چند نفر برای تحمیل خواسته خود، مانع برگزاری صحن مجلس شوند، رویه‌ای بسیار خطرناک است که نباید اجازه داد به امری عادی و کم‌هزینه تبدیل شود تا از تکرار آن برای همیشه جلوگیری کرد.

وی گفت: آنچه ناپسندی این کار را بیشتر می‌کند این است که اکنون در شرایط جنگی قرار داریم و هم دشمنان ما چشم طمع به این قبیل اختلاف‌افکنی‌ها دوخته‌اند، هم مردم در میانه مشکلات معیشتی نظاره‌گر رفتار مسئولان کشور هستند و هم دستور صریح از رهبری معظم انقلاب داریم که باید مراقب وحدت و انسجام بین مسئولان بود. امر روشن مقام معظم رهبری خطاب به نمایندگان را باید آویزه گوشمان کنیم که اختلافات غیرموجه و حتی موجه را به تنازع و تفرقه تبدیل نکنیم. هیئت رئیسه و هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان وظیفه دارند برای جلوگیری از تکرار این بدعت‌ها تر تیباتی اتخاذ کنند. قالیباف افزود: مردم و رهبر معظم انقلاب از ما انتظار دارند توجه خود را به مسائل اصلی مخصوصاً معیشت مردم اختصاص دهیم و تک‌تک نمایندگان وظیفه دارند پیشگام حل مشکلات باشند و از هرگونه حاشیه و جنجال جلوگیری کنند.

■ بسیج فرزند زمانه خویش است

رئیس مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از نطق خود به هفته بسیج اشاره کرد و گفت: در هفته‌ای قرار داریم که روزهایش متبرک به نام بسیج است؛ نهادی که یادگار امام عظیم‌الشأن و فرزندان جان‌برکف اوست. بسیج فراتر از یک سازمان، شبکه‌ای فراگیر از ایمان، انگیزه و تخصص برخاسته از بطن توده‌های مردم است؛ چنان‌که امام کبیر انقلاب (رضوان‌الله تعالی علیه) فرمودند که دست و بازوی بسیجیان را می‌بوسند و امام شهید انقلاب نیز فتح‌الفتوح امام را پرورش جوانان خداجوی بسیجی دانستند. یعنی بسیج، پیش از آنکه یک تشکیلات اداری باشد، یک فرهنگ است؛ فرهنگ مسئولیت‌پذیری، پیش‌قدم‌بودن در میدان‌های سخت و خدمت بی‌منت و جهادی به همه مردم با هر سلیقه و نگاهی.

رئیس مجلس شورای اسلامی ادامه داد: بسیج فرزند زمانه خویش و فلسفه وجودی آن، ایستادن در نقطه نیازهای واقعی جامعه است؛ روزی در جبهه‌های دفاع مقدس هشت ساله، خاکریز دفاع از شرافت این ملت شد و روزی دیگر در خط مقدم سازندگی، محرومیت‌زدایی و گره‌گشایی از زندگی مردم حضور یافت و این روزها که دشمن می‌خواهد جنگ را به داخل کشور و به شهرها بکشاند، بسیج باید نقطه اتکای امنیت مردم ایران در گوشه و کنار کشور باشد. امنیت و آرامش محلات مرهون حضور و فداکاری نیروهای بسیج است. قالیباف ادامه داد: البته وقتی از همراهی بسیج و مردم سخن می‌گوییم، معنای آن حلقه‌های محدود و گروه‌های محصور نیست؛ بلکه همراهی بسیج با ملت ۹۰ میلیونی است. همان ایرانیانی که همگی با هر سلیقه و نگاهی، دل‌بسته ایران بزرگ و عزت و امنیتش هستند و بعد از جنگ ۱۲ روزه و، به‌خصوص جنگ ۴۰ روزه به خیابان‌ها آمدند و اجازه ندادند دشمن به اهداف خود برسد. مأموریت امروز بسیج، تقویت این همبستگی فراگیر میان همه مردم ایران است.

■ پیش از شروط ایران مذاکره‌ای در کار نیست

رئیس مجلس شورای اسلامی ادامه داد: در پایان و در مواجهه با یاوه‌گویی‌ها و تهدیدهای اخیر رئیس جمهور امریکا، لازم است تصریح کنم که موضع ما روشن و تغییرناپذیر است. تهدیدها و توهین‌ها به مردم سرافراز و سربلند ایران و تأکید بر فشارهای اقتصادی، بیش از هر چیز از نشانه‌های درماندگی امریکایی‌ها در مقابل ملت عزیز و مقاوم و مستقل ماست. حرف ما همان است که قبلاً گفته‌ایم؛ پیش از اجرای هفت شرط ایران هیچ اقدام و مذاکره‌ای در کار نخواهد بود و در مقابل تحرکات دشمن نیز آماده پاسخ‌گویی قاطع و تغییر جغرافیای نبرد در صورت خطای دشمن هستیم.

گزارش ۲

تنگه هرمز، عبور از روایت امریکایی به واقعیت میدانی

اسکورت امریکایی هم امنیت نفتکش‌ها را تأمین نکرد

فاطمه بصیری

در حالی که امریکا با دو روش تبلیغات فزاینده درباره باز بودن تنگه هرمز و همچنین تقویت اسکورت هوایی و دریایی در مسیر عمانی تلاش دارد اقتدار سیاسی و نظامی ایران را در مدیریت تنگه هرمز متأثر کند، خبرها همچنان بر آسیب‌های جدی بر شناورهای متخلف دلالت دارد. افزایش آمار ضربات به نفتکش‌ها و کشتی‌ها نشان می‌دهد که اتکا به تضمین‌های امریکا و همچنین جایگزین کردن مسیر تردد، نمی‌تواند امنیت کشتی‌ها را تأمین کند.

روز گذشته، روابط عمومی نیروی دریایی ارتش در اطلاعیه‌ای اعلام کرد، دو فروند نفتکش متخلف، که با غیرفعال کردن سامانه‌های شناسایی و ناوبری وارد محدوده ممنوعه در شرق تنگه هرمز شده بودند، بر اثر برخورد با مین دریایی دچار حریق شدند و از حرکت بازماندند. هم‌زمان چهار فروند نفتکش متخلف در آب‌های تنگه هرمز بر اثر برخورد با مین‌های دریایی، دچار انفجار و آتش‌سوزی بسیار شدید شدند. طبق اطلاعیه سپاه، این نفتکش‌ها در حالی که تحت پوشش و اسکورت هوایی گسترده ارتش تروریستی امریکا قرار داشتند، با مین‌های دریایی برخورد کردند و در پی انفجارهای شدید، طعمه حریق شدند.

در حالی که این تحولات، بن‌بست امریکا در تنگه هرمز و ناتوانی واشینگتن در یافتن راهی برای خروج از آن را تشدید کرده است، ایران نیز در کنار اقدامات عملی، سطح هشدارهای خود به امریکا را افزایش می‌دهد. این هشدارها که با پشتوانه سیاسی و، هم‌زمان با تداوم عملیات بازدارنده نظامی ایران در آب‌های خلیج فارس مطرح می‌شوند، حامل پیامی راهبردی و پایدار هستند که دامنه آن فقط به معادلات تنگه هرمز محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند بر چشم‌انداز و سرنوشت کلی جنگ نیز تأثیرگذار باشد. روز گذشته سردار عظمایی، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران پیامی هشدارآمیز به کشتی‌ها، شناورها و نفتکش‌های متخلف در تنگه هرمز نوشت: «تنگه هرمز محل آزمودن مسیرهای غیرمجاز و نادیده گرفتن هشدارهای دریایی نیست.»

در کنار ادعاهای خیالی و مکرر ترامپ درباره تسلط امریکا بر تنگه هرمز، سایر مقام‌های امریکایی نیز با تکرار و بازتاب این مواضع، تلاش دارند تصویری هماهنگ از موفقیت واشینگتن در قبال مدیریت و کنترل این آبراه راهبردی ارائه دهند. این هم‌سویی در مواضع، در واقع تلاشی برای تثبیت روایت رسمی امریکا درباره وضعیت تنگه هرمز و در ادامه، مدیریت معادلات آن است.

برد کوپر، فرمانده تروریستی سنتکام، در جریان بازدید هوایی از تنگه هرمز طی ماه گذشته مدعی شد که مسیرهای اصلی کشتیرانی در این آبراه از مین‌های دریایی ایران پاک‌سازی شده و همچنان عاری از مین هستند. این فضاسازی تبلیغاتی با هدف انحراف افکار عمومی از تبعات افزایش قیمت انرژی صورت گرفت، اما تأثیر ملموس آن بر زندگی مردم و پیامدهای انتخاباتی آن برای ترامپ و هم اسلافش، در کنار تشدید حوادث دریایی، ادعای امریکا درباره کنترل تنگه هرمز را زیر سؤال برده و با مخدوش کردن اعتبار سایر روایت‌های واشینگتن، کارزار تبلیغات علیه قدرت ایران را زیر سؤال برده است.

جنگ به گفته بسیاری از ناظران سیاسی اکنون در ابعاد جدال تنگه هرمز قرار گرفته است. از این‌رو، شکست سد تنگه هرمز برای امریکا نخستین مسیر پیش‌رو برای جنگ احتمالی بعدی خواهد بود. گرچه امریکا در نظر دارد با استفاده از ظرفیت محاصره و محدودسازی مسیرهای حیاتی تجارت ایران، قدرت مانور تهران را کاهش دهد، تشدید حملات نشان می‌دهد که محاصره نمی‌تواند بر توان دفاعی کشور سایه بیندازد و آن را متأثر کند. ایران همچنان در حال افزایش سطوح آمادگی خود است و توان موشکی خود را با بازنگری در محدودیت برد موشک‌ها و افزایش آن، تقویت کرده است.

علاوه بر آن، مدیریت تنگه هرمز به‌عنوان کانون رویارویی با امریکا، موازنه را در برابر محاصره و در ابعاد کلان‌تر، جنگ احتمالی به نفع ایران تغییر داده است. علاوه بر آن، ایران با به‌کارگیری شیوه‌های جایگزین صادرات، از شدت اثرگذاری محاصره کاسته و منابع دیگری را از طریق ابتکارات تجاری فراهم کرده است. در همین حال، افزایش هزینه‌های گزاف حفظ شرایط محاصره، بار مالی امریکا را تشدید کرده و مشکلات جدی‌تری را در راه سرنوشت جنگ قرار داده است. در نتیجه، افزایش آمار آسیب به کشتی‌های متخلف، هر روزه این موازنه را طوری تغییر می‌دهد که هم محاصره را به‌عنوان ابزار کارآمد به چالش می‌کشاند و هم با اثبات توانایی نظامی ایران، هرگونه موفقیت‌آمیز بودن رویارویی احتمالی را با تردید مواجه می‌سازد. این در حالی است که در کنار عملیات‌های نظامی برای کنترل تردد در تنگه هرمز، اخباری نیز در مورد حملات سایبری به کشتی‌ها روز گذشته منتشر شده است.

وال‌استریت ژورنال به نقل از مقامات دولت تروریست امریکا اعلام کرد که حدود ۵۰ فروند کشتی حامل نفت، گاز و مواد شیمیایی مورد حملات سایبری قرار گرفته‌اند. این رسانه در ادامه گزارش داد که تحقیقات درباره احتمال نقش ایران در حملات سایبری به نفتکش‌ها آغاز شده، اما همان مقامات اعتراف کرده‌اند مدرکی دال بر دست داشتن ایران پیدا نکرده‌اند.

یادداشت

آینده جمعیتی ایران در انتظار اقدام



سید عبدالله متولیان
کارشناس سیاسی

بعضی بحران‌ها نه به صورت انفجاری، بلکه مانند سرطان، آرام و بی‌صدا و نهفته در بستر تاریخ شکل می‌گیرند و زمانی آشکار می‌شوند که جبرانشان بسیار دشوار می‌شود. کاهش باروری و حرکت ایران به سوی سالمندی، از همین جنس است؛ خطری که امام شهیدمان سال‌ها پیش هشدار دادند، اما میان تشخیص خطر و اقدام مؤثر همچنان فاصله باقی ماند. پیام رهبر معظم انقلاب به چهارمین رویداد ملی جوانی جمعیت، بار دیگر این پرسش را مطرح می‌کند: برای آینده نسلی و تمدنی ایران چه کرده‌ایم؟

پس از جنگ تحمیلی، برنامه تنظیم خانواده در سال ۱۳۶۸ احیا و قانون تنظیم خانواده و جمعیت در سال ۱۳۷۲ تصویب شد. این سیاست غلط در راستای اجرای نسخه‌های سازمان‌های بین‌المللی و در بستر نگرانی‌های اقتصادی و مدیریتی آن روزگار و به بهانه محدودیت منابع شکل اجرایی به خود گرفت. برنامه کاهش باروری و تحدید نسل به سال ۱۳۴۲ و تبعیت از نسخه‌های نظام سلطه بازمی‌گردد که با شروع انقلاب اسلامی متوقف شده بود، اما پس از جنگ تحمیلی توسط رئیس‌جمهور وقت مجدداً احیا شد و ایران به نسخه‌های استعماری نظام سلطه تن داد. رهبر شهید انقلاب از همان سال مخالفت ضمنی خود را با این برنامه اعلام داشته و نسبت به پیامدهای این مسیر غلط هشدار داده بودند؛ در سال ۱۳۹۱ خطای تحدید نسل را رسماً گوشزد کردند، در سال ۱۳۹۲ از دشواری جبران پیری جمعیت گفتند و بالاخره در اردیبهشت ۱۳۹۳ سیاست‌های کلی جمعیت را ابلاغ کردند. تأکیدهای بعدی معظم‌له در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ نیز نشان داد که مسئله، سخن از آینده ایران و ظرفیت آن برای پیشرفت، اقتدار و قدرت ملی است. با این همه، پرسش اساسی باقی است: چرا تشخیص زودهنگام خطر، به اصلاح به‌موقع سیاست‌ها منجر نشد؟ ناهماهنگی دستگاه‌ها، ضعف تأمین منابع و نگاه بخشی به مسئله و فراتر از آن، نگاه‌های حزبی و فاصله عمیق میان ابلاغ و اجرا، نشان می‌دهد که مشکل فقط کمبود قانون نبوده است. اینک حکمرانی باید سهم خود را در فراهم کردن شرایط تشکیل خانواده و فرزندآوری بپذیرد.

تجربه جنگ ترکیبی ۹ ماهه یادآور شد که امید اجتماعی، انسجام فرهنگی، اعتماد عمومی و اراده نسل جوان از مؤلفه‌های قدرت ملی و اقتدارند. از این منظر، «جبهه نسل» را باید عرصه‌ای راهبردی دانست که در آن، آینده خانواده و توان جامعه برای استمرار نسلی، اهمیت پیدا می‌کند. نکته مهم اینکه نمی‌توان هر تغییر سبک زندگی یا هر تصمیم فردی و داخلی را به عملیات سازمان‌یافته دشمن نسبت داد؛ و در عین حال نمی‌توان از تأثیر فشار اقتصادی، ناامیدی، ناامنی شغلی و الگوهای فرهنگی بر نگرش به ازدواج و فرزندآوری نیز چشم پوشید. خانواده کانون انتقال هویت، فرهنگ، حافظه تاریخی و مسئولیت‌پذیری میان نسل‌هاست و تضعیف آن، بر آینده قدرت ملی تأثیر گذار است. تعبیر «امتداد نسلی ایرانیان در تراز تمدن نوین اسلامی» در پیام امام سید مجتبی خامنه‌ای، افق بحث را روشن می‌کند. تمدن بدون نسل‌هایی که دانش، فرهنگ، هویت و تجربه تاریخی جامعه را دریافت و به آینده منتقل کنند، استمرار نمی‌یابد. البته افزایش جمعیت به تنهایی قدرت نمی‌سازد؛ جمعیت باید از سلامت، آموزش باکیفیت، مهارت، کرامت و فرصت مشارکت نیز برخوردار باشد. هدف برنامه باید هم افزایش ظرفیت کمّی نسل آینده و هم ارتقای کیفیت آن باشد.

برای خانواده‌ای که با اجاره سنگین، ناامنی شغلی و هزینه‌های درمان و آموزش روبه‌روست، توصیه به فرزندآوری کافی نیست. سیاست‌های جمعیتی باید در زندگی مردم، مسکن، اشتغال پایدار، حمایت از مادران، خدمات سلامت و اجرای تعهدات قانونی دیده شود. اکنون نوبت اقدام قابل سنجش است: دولت باید منابع و امکانات لازم را برای اجرای سیاست‌های جمعیتی و رفع موانع فرزندآوری فراهم کند؛ مجلس باید بر اجرای قوانین و تخصیص اعتبارات نظارت کند؛ رسانه‌ها باید موانع واقعی را بی‌پرده بازتاب دهند و الگوهای موفق را معرفی کنند؛ نخبگان نیز باید راه‌حل‌های علمی و عملیاتی ارائه دهند. هماهنگی فرابخشی، با اختیار روشن، بودجه مشخص و نظام پاسخ‌گویی، ضرورتی انکارناپذیر است. امروز مسئله، نه شنیدن پژواک هشدار چند دهه گذشته، بلکه جبران فاصله میان تشخیص و اقدام است. پیام رهبر معزز انقلاب را باید در امتداد هشدارهای رهبر شهید و به مثابه مطالبه‌ای برای اصلاح واقعی سیاست‌ها فهمید. ایران برای استمرار قدرت و هویت تمدنی خود به نسلی نیاز دارد که هم توان ادامه مسیر و هم ظرفیت ساختن آینده را داشته باشد. هشدار ناتمام را با تغییر در قواعد حکمرانی و بهبود زندگی خانواده‌های ایرانی باید پاسخ داد.

گزیده خبر

فرمانده کل ارتش:

تنگه هرمز روز به روز بسته‌تر می‌شود

فرمانده کل ارتش با تأکید بر اینکه ما باید سایه جنگ را از سر کشور برداریم، به وضعیت «نه جنگ و نه صلح» پایان دهیم و تحریم‌های ظالمانه را از سر کشور برداریم، گفت: بر این اساس، و تا تحقق این اهداف که با اجرای شروط هفت‌گانه ایران، امکان آن میسر می‌شود، تنگه هرمز باز نخواهد شد و روز به روز بسته‌تر می‌شود.

به گزارش روابط عمومی ارتش، امیر سرلشکر «امیر حاتمی» فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران طی سخنانی در جمع فرماندهان، معاونان، مسئولان و مدیران نیروهای ارتش در دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش با اشاره به جایگاه توان نظامی کشور، گفت: ما درباره منظومه قدرت جمهوری اسلامی ایران که شامل مؤلفه‌های «نظامی، سیاسی، اجتماعی و ژئوپولیتیک» است، صحبت کرده و گفته بودیم اگر جنگ شود، می‌توانیم به خوبی از آن استفاده کنیم، اما دشمنان باور نکرده بودند. ما با امریکای مدعی ابرقدرتی جنگیدیم که دنباله آن رژیم صهیونیستی است که چند کشور اطراف خود را ظرف شش روز شکست داد، لذا در حوزه نظامی، تصور دشمن این بود که با توجه به جنگ ۱۲ روزه، بعد از سه چهار روز دیگر نمی‌توانیم شلیک کنیم، اما تا روز آخر شلیک کردیم، پس از جنگ هم دوباره ۱۰ تا ۱۲ روز که درگیر شدیم، شلیک‌ها انجام شد و در حال حاضر هم وضعیت ما بحمدالله بسیار خوب است و به اهدافمان در دفاع رسیده‌ایم. فرمانده کل ارتش با قدردانی از حضور نزدیک به ۹ ماهه مردم در خیابان‌ها و اجتماعات شبانه، تنگه هرمز را قدرت ژئوپولیتیک و بخشی از منظومه قدرت جمهوری اسلامی ایران دانست و خاطرنشان کرد: بعد از جنگ تحمیلی سوم، تصویر شکست‌ناپذیری امریکا را تغییر دادیم و ایران اسلامی تبدیل به قدرت جهانی شد و نشان داد یک لقمه گلوگیر است و هر کس را که بخواهد آن را ببلعد، حتماً خفه خواهد کرد. فرمانده کل ارتش تأکید کرد: درد جنگ را ما بنا